



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 2, Issue 4, 2024

Conditions for Compensation for Innocent Convicts in the Criminal Law System of Iran and Islamic Countries

Mohammad Ahmadzadeh¹, Seyed Hossein Hashemi*², Mehdi Sheidaei³

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mofid University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Tehran (Farabi College), Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 59-78

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-2815-3901

TELL: +989122526460

Email: shhashemi@gmail.com

Article history:

Received: 23 Jun 2024

Revised: 17 Sep 2024

Accepted: 15 Nov 2024

Published online: 21 Dec 2024

Keywords:

Retrial, Compensation for Damages, Acquittal, Iranian Law, Islamic Law.

ABSTRACT

The institution of sovereignty means the responsibility of the state towards citizens and individuals within its jurisdiction. This responsibility has many diverse aspects. In order to exercise national sovereignty, states exercise judicial powers and resolve disputes. One of the important issues here is the conviction of innocent individuals by the judicial system. After the innocence of the convicted, the most important issue that arises is compensation for the damages suffered by the said individuals. The purpose of the present study, which has been compiled using a descriptive-analytical method and library tools, is to explain the conditions for compensation for the damages suffered by innocent convicts in the laws of Iran and Islamic countries. The results of this study show that despite the existence of appropriate regulations and mechanisms for compensation for the aforementioned damages, some compensation conditions, such as placing the burden of proving the causal relationship between the damages incurred and the behavior of criminal justice actors on the innocent convicted persons, are not in line with the principles of justice and fairness as well as human rights standards; In this regard, it is necessary for Islamic countries to move towards reforming and adjusting the regulations governing compensation for damages incurred by innocent convicted persons.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Ahmadzadeh, M; Hashemi, SH & Sheidaei, M (2024). "Conditions for Compensation for Innocent Convicts in the Criminal Law System of Iran and Islamic Countries". *Journal of International Criminal Law*, 2(4): 59-78.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳

شرایط جبران خسارات وارده به محکومان بی گناه در نظام حقوق کیفری ایران و کشورهای اسلامی

محمد احمدزاده^۱، سیدحسین هاشمی^{۲*}، مهدی شیدائیان^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران (دانشکده‌گان فارابی)، قم، ایران.

چکیده

نهاد حاکمیت به معنای مسؤولیت دولت در برابر شهروندان و افرادی که قلمرو آن قرار می‌گیرند، می‌باشد. این مسؤولیت دارای جنبه‌های بسیار متنوعی است. دولت‌ها در راستای اعمال حاکمیت ملی، به اجرای صلاحیت‌های قضایی و حل و فصل اختلافات می‌پردازند. یکی از مسائل مهم در اینجا، محکومیت افراد بی‌گناه از سوی دستگاه قضایی می‌باشد. پس از احراز بی‌گناهی محکومان، مهم‌ترین مسأله‌ای که مطرح می‌گردد، جبران خسارات وارده به افراد مزبور است. هدف از پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای گردآوری شده است، تبیین شرایط جبران خسارات وارده به محکومان بی‌گناه در حقوق ایران و کشورهای اسلامی می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود مقررات و سازوکارهای مناسب برای جبران خسارات مزبور، برخی شرایط جبران مانند قرار گرفتن بار اثبات احراز رابطه سببیت میان خسارات وارده و رفتار کنشگران عدالت کیفری برعهده محکومان بی‌گناه، هم‌سو با اصول عدالت و انصاف و نیز معیارهای حقوق بشری نمی‌باشد؛ در همین راستا لازم است که کشورهای اسلامی در جهت اصلاح و تعدیل مقررات حاکم بر جبران خسارات وارده به محکومان بی‌گناه حرکت نمایند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۸-۵۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۲۸۱۵-۳۹۰۱

تلفن: +۹۸۹۱۲۲۵۲۶۴۶۰

ایمیل: shhashemi@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

اعاده دادرسی، جبران خسارات، برائت، حقوق ایران، حقوق اسلام.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

جبران خسارت از محکومان بی‌گناه و مسأله مسؤولیت دولت در قبال بی‌گناهان یکی از موضوعات مهم حقوق بنیادین بشری و آزادی‌های اساسی شهروندان به‌شمار می‌رود. توجه به سرنوشت محکومانی که در یک فرایند دادرسی فوق‌العاده بی‌گناهی آنان اثبات شده است، منحصرأ محصول پیشرفت‌های امروزی حقوق جزا نبوده و انصاف، عدالت و ضمانت اجرای قراردادهای اجتماعی از دیرباز محققان و حقوق‌دانان را بر آن داشته است که به این امر مهم توجه کنند. جبران خسارت موجب اطمینان شهروندان به نظام کیفری عدالت می‌شود. همچنین دیدگاه‌های جرم‌شناختی مانع ورود بی‌گناهان به چرخه نظام عدالت کیفری و پیشگیری از جرم را به‌دنبال دارد. جبران خسارت موجب تحول بنیادین در نظام عدالت کیفری و قوانین شکلی و تضمین دادرسی عادلانه و کیفیت‌گرایی (عقلانیت) در نظام عدالت کیفری می‌شود. بدیهی است عدم توجه به خسارت وارده به شهروندان یا عدم جبران تمامی خسارت‌های وارده به آنان به‌ویژه مشکلات و موانع بر سر راه جبران و عدم تدبیر سازوکارهای لازم و ابعاد آن فاصله‌گرفتن مردم از نظام عدالت کیفری و بی‌اعتمادی شهروندان و نقض عدالت و حقوق و کرامت انسانی را به‌دنبال دارد.

پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخ به این پرسش می‌باشد که برای جبران خسارات وارده به محکومان بی‌گناه چه شرایطی باید وجود داشته باشد، به تعبیری، رویکرد حقوق ایران و کشورهای اسلامی به این امر چگونه است؟ در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر باید توجه داشت که تحقیقات پیرامون جبران خسارت از محکومان بی‌گناه به بازداشت‌های بلاوجه و توقیف احتیاطی متمرکز شده است. مقاله جبران خسارت از زندانیان بی‌گناه، «حق متهم بی‌گناه» به قلم محمد آشوری مبدأ حق بی‌گناهان و مسؤولیت دولت در قبال متهم برائت شده، به مقنن ایرانی پیشنهاد و ضرورت جبران را به ارمان آورده است. پژوهش مهم و دامنه‌دار تطبیقی که دستاوردهای مهمی به مقنن ایرانی ارائه نموده است. مقاله محمد فرجی‌ها تحت عنوان سازوکارهای رسیدگی به ادعای بی‌گناهی محکومان، مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران، امریکا و انگلستان منتشره در مجله پژوهش‌های حقوق کیفری است. این مقاله سیاست

جنایی ایران در راهکارهای جبران و لزوم خسارت‌زدایی از محکومان و شناسایی راهکار و ضرورت تحول در قوانین شکلی و موضوعه را با نگرش به قوانین کشورهای آمریکا و انگلیس را یکی از وظایف مقنن ایرانی دانسته است. پژوهش‌های دیگر چون خسارت‌زدایی از مظنونان و محکومان بی‌گناه جایگاه حقوقی و فرایند عملی به قلم باقر شاملو، خسارت‌زدایی از محکومان بی‌گناه در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی به قلم حمید مرادی، نگرش تطبیقی به جبران خسارت وارده به محکوم بی‌گناه از نظر تا واقعیت، به قلم یوسف شوره‌دلی و دیگران، به شناسایی حق جبران خسارت و اعاده حیثیت بی‌گناهان پرداخته‌اند. تحقیقات و پژوهش‌های فوق به مسؤولیت دولت در قبال خسارت ناشی از توقیف احتیاطی و کیفر حبس پرداخته و جبران خسارت را حق مسلم حکومت‌ها دانسته‌اند و نظریه جبران را در قوانین کشورهای غربی مورد بررسی قرار داده‌اند، اما در پژوهش حاضر دو نکته مهم حائز اهمیت است: اول این‌که محور اصلی مباحث در ارتباط با شرایط جبران خسارت وارده به محکومان بی‌گناه می‌باشد؛ دوم این‌که قلمرو مطالعاتی این پژوهش، حقوق ایران و کشورهای اسلامی می‌باشد که در واقع نوآوری و جنبه جدیدبودن مطالب پژوهش حاضر محسوب می‌گردد.

در پژوهش حاضر از روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای جهت نگارش مقاله استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سامانه عدالت کیفری کشورهای اسلامی پیرامون جبران خسارت به تاسی از قوانین شکلی و قوانین اساسی از ظرفیت‌های قابل توجهی برخوردار است. مبانی فقهی و عقلی، قواعدی چون انصاف و عدالت از مبانی جبران خسارت محکومان بی‌گناه در کشورهای اسلامی به‌شمار آمده و سازوکارهای مناسبی در این خصوص محسوب می‌شود. علی‌رغم وجود مقررات پراکنده درخصوص جلوه‌های جبران خسارت در کشورها اسلامی، تفاوت‌های قابل توجهی در این زمینه با موازین بین‌المللی حقوق بشر ملاحظه می‌شود.

بی‌گناه و چالش‌های پیش روی در سامانه عدالت کیفری کشورها و اختلاف نظر در ضوابط شناسایی چنین بزه‌دیدگان است (غلاملو، ۱۳۹۴: ۴۷). برخی حقوق‌دانان در پژوهش‌های خود محکومیت بی‌گناهان را متهمانی دانسته‌اند که با وجود آن که رفتار مجرمانه انتسابی را مرتکب نشده‌اند، به‌زعم نبودن ادله قانونی که به قطع و یقین جرم وی را ثابت کنند، به استناد ادله نادرست و مخدوش به‌طور قطعی محکوم می‌شوند. اعم از آن که عوامل محکومیت ناشی از خطای عمدی یا غیرعمدی باشد (فرجیها و غلاملو، ۱۳۹۴: ۶۲).

تعریف ارائه‌شده به‌دلیل اتخاذ عنوان متهمان برای محکومان بی‌گناه همچنین عدم آثار خطاهای عمدی در جبران خسارت توسط دولت محل اشکال است. به عبارت روشن‌تر خطاهای عمدی کنشگران نظام عدالت کیفری از دامنه جبران خسارت و مسؤولیت دولت خارج و مستقلاً طی فرایند جداگانه‌ای در مرجع قضایی صالحه چون دادسرا و دادگاه انتظامی قضات، دادگاه و دادرسی ویژه کارکنان دولت است که با احراز تخلف عمدی و تقصیر قاضی مسؤولیت خسارت راساً متوجه قضات مقصر خواهد بود. در تأیید ایراد فوق‌الذکر این تفکیک در بند ۵ ماده ۹ و بند ۶ از ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به وضوح قابل استنباط است.

برخی حقوق‌دانان محکومان بی‌گناه را اشخاصی (اعم از حقیقی یا حقوقی) دانسته‌اند که فی‌الواقع مرتکب جرم نشده‌اند و بلاجهت در فرایند دادرسی کیفری درگیر شده‌اند و ممکن است در این مسیر، آبرو، حیثیت، اموال، آزادی، تمامیت جسمانی، حقوق اجتماعی و حتی حیات خود را از دست داده باشند، تعریف نموده‌اند (شاملو و مرادی، ۱۳۹۳: ۲۱۹).

به‌نظر ما تعریف ارائه‌شده محل ایراد است: اولاً جامع و مانع نیست؛ ثانیاً مفاهیم اصلی بی‌گناه از مفهوم مجرد تا مفهوم موسع حقوقی در تعریف لحاظ نشده است؛ ثالثاً اطلاق احتمال ورود خسارت وارد بر چنین اشخاصی با فلسفه و مبانی نظریه حق جبران مخالفت دارد، چه خسارت وارد بر محکومان بی‌گناه در فرایند دادرسی و اجرای احکام نادرست امری طبیعی و حتمی به‌نظر می‌رسد؛ رابعاً فسخ حکم محکومیت از طرق شکایت فوق‌العاده و متعاقباً صدور حکم برائت و درجات آن به‌عنوان دو

در این قسمت ذیل دو بخش مستقل، مفاهیم پژوهش و سپس شرایط جبران خسارات وارده به محکومان بی‌گناه مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- مفهوم‌شناسی

در این قسمت مفاهیم محکومان بی‌گناه و نیز مقصود از کشورهای اسلامی مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۱-۱- مفهوم محکومان بی‌گناه

واژه بی‌گناه در فرهنگ دهخدا به‌معنای بی‌جرم و بی‌تقصیر معنی شده است (دهخدا/ذیل کلمه). همچنین واژه بی‌گناه واجد دو مفهوم عام و خاص است. مفهوم عام و مصطلح در ادبیات فقه شیعه کسی است که مرتکب محرمات شرعی شده یا هیچ معصیتی اعم از فعل حرام و ترک واجب نکرده است. مفهوم اخص آن به کسی اطلاق می‌شود که مرتکب نقض تحریم قانونی نشده و اوامر و نواهی مقنن را با فعل یا ترک فعل نقض ننموده است. مفهوم اصطلاحی بی‌گناه در ادبیات حقوق‌دانان و قوانین موضوعه مترادف با ناکرده بزه است. به عبارت اخری بین واژگان گناه و جرم رابطه منطقی عموم و خصوص مطلق حاکم است. بنابراین واژه بی‌گناه مصطلح در ادبیات حقوقی دکترین و کنشگران نظام عدالت کیفری به مفهوم اخص آن است. علی‌رغم استعاره واژه گناه از مبانی فقهی به حقوق کیفری و تابعان آن برخی حقوق‌دانان با تبیین افتراق بین مفهوم گناه و جرم در سیاست جنایی به واگرایی جرم و گناه استدلال نموده‌اند (حسینی، ۱۳۹۴: ۶۵۷).

اصطلاح محکومان بی‌گناه در پژوهش‌ها و دکترین حقوقی کشورهای اسلامی با عناوین چون دستان پاک، بزه‌دیدگان ناشی از عدم اجرای عدالت و بزه‌دیدگان ناشی از اشتباهات قضایی مترادف به‌کار رفته است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۹۳۴).

با گذر از تبیین مفاهیم مستقل محکومان بی‌گناه و عناوین مترادف، ارائه تعریف مشترک از محکومان بی‌گناه در پژوهش حاضر ضروری به‌نظر می‌رسد. با مطالعه قوانین، رویه قضایی و پژوهش‌های صورت‌گرفته در سامانه عدالت کیفری کشورهای اسلامی تعریف صریح یا اجماعی که از محکومان بی‌گناه ارائه شود، ملاحظه نمی‌شود. علت امر پیچیدگی ماهیت محکومان

رکن مهم و اساسی برای شناسایی محکومان بی‌گناه در تعریف فوق لحاظ نشده است.

با مذاقه در قوانین ناظر به جبران خسارت از محکومان بی‌گناه در کشورهای اسلامی، منظور از محکومان بی‌گناه کسانی است که حکم برائت (قرار منع - موقوفی تعقیب) آنان از اتهام انتسابی با طرح شکایت فوق‌العاده از احکام یا با اعطای عفو از سوی حکومت با برگزاری یک دادرسی ثانوی عادلانه به‌لحاظ خطاهای کنشگران نظام عدالت کیفری صادر شده است. همچنین اشخاصی که محکومیت آنان قطعی و مجازات را تحمل و یا در حال تحمل‌اند نیز مشمول محکومان بی‌گناه هستند. تعریف فوق شامل کلیه خطاهای ضابطین، مقامات دادسرا و سایر کنشگران نظام عدالت کیفری است که خطای هریک منجر به محکومیت بی‌گناه شده است. با توجه به اطلاق واژه خطا در تعریف، کلیه خطاهای قضایی در فرایند دادرسی را شامل می‌شود. تعریف فوق باب سوءاستفاده از «تئوری مراحل درجات حکم برائت» و نفی جبران خسارت از برخی محکومان بی‌گناه را مسدود و کلیه خسارات وارده به آنان در مراجع ذی‌صلاح جبران خسارت تضمین خواهد شد.

۱-۲- کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی به کشورهایی گفته می‌شود که دین رسمی آن‌ها یا دین بیشتر جمعیت آنان اسلام است. اقتضا دارد کشورهای اسلامی پیرامون مسائل حقوقی و تعاون قضایی و انتقال سیاست کیفری و جنایی با یکدیگر همکاری داشته باشند. این همکاری و انتقال تجارب و سیاست‌های کیفری می‌تواند در نظام‌های عدالت کیفری و پیشگیری جرایم و جلوگیری از اشتباهات قضایی مؤثر واقع شوند. انتظار می‌رود در آینده نه چندان دور برنامه‌های انتقالی سیاست کیفری در سامانه تقنینی و نظام عدالت کیفری کشورهای اسلامی مورد توجه متولیان امور قضایی کشورها قرار گیرد. دامنه مطالعات در پژوهش حاضر، منظور کشورهایی است که در نظام جبران خسارت پیشگام هستند، بدین ترتیب بررسی مدل نظام حقوقی پیرامون جبران خسارت و انطباق و سنجش آن با موازین بین‌المللی حقوق بشر در اصلاح نظام عدالت کیفری و سامانه تقنینی مفید به‌نظر می‌رسد.

در کشور الجزایر جبران خسارت از اشتباهات قضایی توسط دولت در اصل ۴۹ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. قوانین عادی که شیوه و قلمرو جبران خسارت را تبیین می‌کند، با تأسیس صندوق ملی جبران خسارت توسط محکمه العلیا، دو گروه از اشخاص را مشمول جبران خسارت دانسته‌اند: ۱- جبران خسارت ناشی از بازداشت پیشگیرانه یا متهمان بی‌گناه؛ ۲- جبران خسارت ناشی از کیفرهای نادرست و محکومان بی‌گناه. مشمولان گروه اول ناظر به تحقیقات مقدماتی است که در مواد ۱۳۷ و مکررین قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۲۰۰۷ در فصل بازداشت پیشگیرانه به تفصیل بیان و از تحقیق ما خارج‌اند. مشمولان گروه دوم یا مخاطبان ناظر به نتایج حاصل از اعاده دادرسی و جبران خسارت از محکومان بی‌گناه است که در فصل اعاده نظر در قانون آیین دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفته‌اند. در این نظام حقوقی که مدل آن رومی ژرمنی است، جبران خسارت مادی، معنوی و منافع ممکن‌الحصول در قوانین مدنی، کیفری و اساسی به رسمیت شناخته شده‌اند. نظام حاکم بر جبران خسارت یک درجه‌ای و اصل قاطعیت احکام حاکم است.

جبران خسارت یا جبران خطاهای قضایی در اصل ۵۷ قانون اساسی مصر مورد توجه قرار گرفته است. در قوانین موضوعه، از جمله آیین دادرسی کیفری، جبران خسارت از نظام ثنویت تبعیت می‌کند: ۱- جبران خسارت پیشگیرانه؛ ۲- جبران خسارت از خطاهای قضایی. قانون آیین دادرسی کیفری مصر مصوب ۲۰۰۳، احکام مشترک نسبت به دو گروه به‌طور جداگانه نحوه جبران خسارت را مورد بررسی قرار داده است. گروه اول ناظر به متهمان و گروه دوم ناظر به محکومان بی‌گناه است. نظام حاکم بر جبران خسارت یک درجه‌ای و اصل قطعیت احکام حکومت می‌کند.

سامانه تقنینی کشور عراق اهمیت فوق‌العاده‌ای به جبران خسارت قائل شده است، اگرچه جبران خطاهای قضایی در قانون اساسی جمهوری دموکراتیک عراق به رسمیت شناخته نشده است، لکن ملاحظات حقوق بشر و آزادی‌ها و حقوق عامه در اصول متعدد قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. نهاد جبران خسارت در کتاب چهارم قانون آیین دادرسی کیفری

شماره ۲۳ سال ۱۹۷۱ و قانون خاص جبران خسارت از محکومان بی‌گناه، مصوب ۲۰۱۰/۱۲/۲۶ میلادی به رسمیت شناخته شده است. مدل نظام جبران خسارت رومی ژرمنی و دو درجه‌ای است.

در کشور لبنان نهاد جبران خسارت از محکومان بی‌گناه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۲۰۰۱ به رسمیت شناخته شده است. نظام حاکم بر فرایند جبران یک درجه‌ای و مبنای قانونی جبران ضرر و زیان وارد بر محکومان بی‌گناه تابع قوانین مدنی و تجاری است. تأسیس کمیته‌های قضایی جبران خسارت در نظام حقوقی ملاحظه نمی‌شود. دادگاه هم عرض صالحه جبران خسارت وارده را ضمن صدور حکم برائت به عهده گرفته است. تحدید یا حذف فرایندهای جبران خسارت و طی فرایندهای قضایی بعد از صدور حکم برائت ظاهراً به نفع محکومان بی‌گناه و تابع قاعده مهلت معقول در نظام عدالت کیفری است.

سامانه تقنینی کشور مراکش (مغرب) در مورد جبران خسارت از محکومان بی‌گناه نسبت به سایر کشورهای اسلامی از دو جهت حائز اهمیت است: اول اختصاص محکمه با نظام دو درجه‌ای به شیوه دادرسی عادلانه؛ دوم جبران کامل کلیه خسارات از محکومان بی‌گناه. اهمیت جبران خسارت تا آنجاست که فصل ویژه‌ای در قانون اساسی مراکش مصوب ۲۰۱۱ به این امر اختصاص یافته است. مراجع صلاحیت‌دار برای جبران خسارت، دادگاهی موسوم به محکمه جبران خسارت در پایتخت مغرب مستقر و صلاحیت رسیدگی به خطاهای مأمورین دولتی و جبران خسارت از محکومان بی‌گناه را به عهده دارد. نظام حاکم بر فرایند رسیدگی دو درجه‌ای است. اصول و نحوه رسیدگی مطابق با قانون شیوه جنایی مصوب ۱۲ مارس ۲۰۱۸ است. معیار و ضوابط جبران خسارت مادی و معنوی مطابق با عموماًت قانون مدنی و ضرور و زیان ناشی از جرم در قانون آیین دادرسی کیفری است. قانون اساسی، قانون کیفری خاص، آیین دادرسی کیفری و عموماًت قانون مدنی از مهم‌ترین منابع جبران خسارت در نظام حقوقی مراکش به‌شمار می‌رود.

۲- شروط جبران خسارت

در این قسمت به شروط ضروری برای جبران خسارت محکومان بی‌گناه پرداخته خواهد شد.

۲-۱- شروع یا اجرای مجازات قبلی

یکی از شروط و جبران خسارت از محکومان بی‌گناه شروع یا اجرای مجازات محکومیت نادرست است. معیار شروع یا اجرای مجازات‌های نادرست در سامانه تقنینی کشورهای اسلامی، از جمله ایران در مقیاس لزوم جبران خسارت از بازداشت‌های بلاوجه مطابق ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۲۴ «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.» هم‌زمان با اجرای قرار بازداشت موقت یا هر نوع قرار تأمینی که منجر به بازداشت متهم بی‌گناه می‌شود، مبدأ معیار و ملاک جبران خسارت از محکومان بی‌گناه محسوب می‌شود. در سامانه تقنینی کشورهای اسلامی (به‌عنوان نمونه می‌توان به مواد ۱۳۷ مکرر و ۵۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری الجزائر مصوب ۲۰۰۱ و الحاقات بعدی، مواد ۳۱۲، ۴۵۱، ۵۰۵، ۵۰۸ و ۵۱۶، قانون آیین دادرسی کیفری مصر مصوب ۲۰۰۳ و الحاقات بعدی و مواد ۳۳۲ و ۳۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری لبنان مصوب ۲۰۰۱ و متمم آن اشاره نمود) شرط اولیه جبران خسارت از بی‌گناهان شروع بازداشت متهم یا شروع اجرای مجازات‌ها یا اجرای کامل دوره محکومیت بی‌گناه مبنای معیار جبران خسارت تلقی شده است. این شرط اساسی مطابق بند ۶ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی (مطابق با ۱۳۴۵/۰۹/۲۵ شمسی) مجمع عمومی سازمان ملل متحد و ماده ۳ پروتکل ۷ کنوانسیون

شده است. بطلان محاکمه اصطلاح حقوقی رایج حقوق دانان کشورهای اسلامی است که بعد از تجویز اعاده دادرسی و انتقال محاکمه، عدالت کیفری با احراز خطاهای قضایی خود محاکمه منتج به محکومیت نادرست را باطل اعلام می‌کند. همچنین دامنه بطلان به تحقیقات مقدماتی که مغایر قانون شکل گرفته در قوانین شکلی کشورهای اسلامی تسری پیدا نموده است. مطابق رأی وحدت رویه شماره ۵۳۸ مورخ ۱۳۶۹/۰۸/۰۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، دیوان فقط اعاده دادرسی را تجویز می‌کند، ولی حکم را هرچند نادرست بداند نقض نمی‌کند.

این بخش از شروط جبران خسارت تحت عنوان اعاده دادرسی (اعاده‌النظر) در امور کیفری مورد توجه مقنن این کشورها قرار گرفته است. مواد ۴۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصر، ۵۳۱ قانون آیین دادرسی الجزائر، ۲۷۰ قانون آیین دادرسی عراق، ۳۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری لبنان و ماده ۴۷۴ و ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران به جهات و روش‌های اثبات بی‌گناهی و بطلان محاکمه پرداخته است.

۲-۲-۱- حکم برائت و اعلان حق جبران ضمن صدور حکم
 صدور حکم برائت از مرجع قضایی صالحه به‌عنوان یکی از شروط مهم نهاد جبران خسارت برای کمیسیون جبران خسارت ضروری است. حکم برائت در ابعاد مختلف تقنینی، قضایی و اجرایی آثار و مقتضیاتی دارد، از جمله آثار عینی و ملموس اجرایی تأسیس نهاد جبران خسارت در نظام‌های حقوقی دنیا به‌ویژه نظام حقوقی کشورهای اسلامی است. بعد از برائت چنان چه فردی با حکم قطعی دادگاه از اتهام انتسابی تبرئه شود، این حکم برای تمام مقامات دولتی لازم‌الاجرا است. بنابراین مقامات دولتی خصوصاً اعضای کمیسیون‌های جبران خسارت نباید به‌طور ضمنی بیان کنند که فرد گناهکار بوده و حکم به رد درخواست جبران خسارت کنند. پیامدهای اصل برائت و قلمرو آثار آن، که با رأی دادگاه صالحه به رسمیت شناخته می‌شود، دولت را مکلف به جبران خسارت از محکومان بی‌گناه می‌نماید (آشوری، ۱۳۹۲: ۹۳). دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده‌ایی نظر داد بعد از این که متهم تبرئه شد، دادگاه استرالیا در توجیه قرار رد درخواست غرامت برای بازداشت قبل از محاکمه در مورد بی‌گناهی متهم اظهار شک و تردید کرد و این

اروپایی مورد تأکید قرار گرفته است. تمامی کشورهای اسلامی ضمن پیوستن به میثاق حقوق مدنی و سیاسی در قوانین شکلی داخلی خود به شناسایی حق جبران خسارت از نقض اجرای عدالت از سوی دادگاه‌ها مقرراتی را در این خصوص به تصویب رسانده‌اند، فلسفه نهاده شدن معیار شروع یا اجرای مجازات‌های نادرست استانداردهای بین‌المللی جبران خسارت تحت عنوان خسارت وارده بر محکومان بی‌گناه باید ملموس و عینی باشد، نشأت گرفته است. مستتب از ماده ۱۰ کنوانسیون آمریکایی «هر فرد حق دارد مطابق قانون درخواست جبران خسارت کند، در صورتی که با حکم قطعی در نتیجه اجرای عدالت مجازات شده باشد» مورد تأکید قرار گرفته است. از مفاد مستندات فوق‌الذکر این نتیجه حاصل است که خسارت ملموس و عینی در سامانه تقنینی و قضایی کشورهای اسلامی زمانی است که حکم به محکومیت نادرست شروع یا اجرا شده باشد (محمدی کنگ سفلی، ۱۳۹۴: ۶۸).

بدیهی است معیار شروع به اجرا یا اجرای مجازات صرفاً منصرف به شخص بی‌گناه نخواهد بود. ممکن است در جریان عملیات اجرایی محکومیت نادرست اموال محکوم‌علیه یا وثیقه تودییی یا سایر تأمینیهایی که در فرآیند دادرسی به عدالت کیفری سپرده شده، توسط اجزای نظام عدالت کیفری ضبط یا مصادره گردد، این‌گونه اقدامات اجرایی در اجرای محکومیت نادرست ماهیت جبران اعم از اعاده وضع به حال پیشین و استرداد وجوه تودییی و دریافتی و خسارت ناشی از آن خواهد بود. درواقع محکومان بی‌گناه می‌توانند هرگونه خسارت ناشی از محکومیت نادرست را از کمیسیون جبران خسارت مطالبه و دولت مکلف به جبران این‌گونه خسارت‌ها نیز خواهد بود. بنابراین شرط شروع یا اجرای مجازات منصرف به مجازات‌های بدنی و سالب آزادی نبوده و هرگونه اقدام عملی اجرا در اجرای محکومیت نادرست، هرچند که منجر به اجرای مجازات محکومان بی‌گناه نشده باشد، خسارت تلقی و مستلزم جبران است.

۲-۲-۲- اثبات بی‌گناهی و بطلان محاکمه

اثبات بی‌گناهی و بطلان محاکمه شرط دوم جبران خسارت در نظام حقوقی کشورهای اسلامی به مدل رومی ژرمنی نهاده

بی‌گناهی شخص عینی و واقعی باشد. به عقیده این گروه برائتی که صرفاً به استناد مسائل فنی حقوقی صادر شود، برائت نیست (قربانی، ۱۳۹۰: ۳۱۱).

نظریات گروه اخیر محل ایراد است؛ مطابق بند ۶ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هرگاه حکم محکومیت قطعی کسی بعداً فسخ شود یا یک امر حادث یا امری که جدیداً کشف شده دال بر وقوع یک اشتباه قضایی است. شخصی که در نتیجه چنین محکومیت نادرست متحمل مجازات شده باشد، مستحق جبران خسارت است. مطابق تفسیر منطقی مورد مقبول در میان انواع تفاسیر حقوق کیفری حکم برائت موضوع این ماده اطلاق داشته و تفکیکی میان برائت فنی، حقوقی و عینی ملموس در متن ماده ملاحظه نمی‌شود. تفسیر تفکیک برائت به دو شق فوق‌الذکر نادرست و مخالف حق بر جبران خسارت و نقض آثار موسع اصل برائت است. بنابراین بین برائت متهم به استناد فقد دلیل و برائت ناشی از ملاحظه بی‌گناهی او نباید تفاوت کیفی وجود داشته باشد. روش متداول در برخی نظام‌های حقوقی مبنی بر برائت متهم به استناد شک و تردید باید منسوخ شود.

به باور این پژوهش یکپارچگی نهاد جبران خسارت پیرو رأی برائت و آثار منسجم و هدمند آن در نظام عدالت کیفری مهم ترین پاسخ به تفسیر رأی برائت و آثار آن بعد از صدور حکم و اعلان آن توسط دادگاه‌ها است. اشکال دیگر وارد بر این نظریه عدم توجه به سایر شقوق سازوکارهای احراز بی‌گناهی در نظام‌های حقوقی کشورها است. در نظام حقوقی عمومی و دولتی که طرح ادعای بی‌گناهی از طریق طرق فوق‌العاده احکام همان اعاده دادرسی عام و خاص انجام می‌شود کلیه فروض و جهات اثبات بی‌گناهی اعم از بی‌گناهی حقیقی و حقوقی مورد توجه مقنن این کشورها، از جمله کشورهای مورد مطالعه این پژوهش قرار گرفته است. شق اول، دوم و سوم جهات اعاده دادرسی در این کشورها ناظر به احراز بی‌گناهی حقیقی است که در عرف قضایی بین‌المللی از آن به برائت ملموس و عینی تعبیر می‌شود. در سایر شقوق و جهات اعاده دادرسی برائت فنی و حقوقی، از جمله خروج دادنامه از میزان مجازات مقرر قانونی، کشف ادله جدید یا حدوث یک واقعه توصیفی که جملگی

مغایر و ناقض فرض بی‌گناهی است (طه و اشراقی، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

آثار برائت و حق فرض بی‌گناهی مستلزم این است که نه تنها قضات، هیأت منصفه و همچنین مقامات کمیسیون جبران خسارت از پیش‌دآوری در مورد عدم استحقاق یا رد درخواست یا پرداخت غرامت ممانعت کنند، بلکه مقامات ذی‌صلاح دولتی و قضایی وظیفه دارند با احترام به رأی برائت و آثار آن خود را در قبال محکومان بی‌گناه مسؤول دانسته و خسارت وارد را جبران کنند. آثار فرض بی‌گناهی مندرج در اصول و قواعد بین‌الملل، از جمله ماده ۱۱ اعلامیه جهانی، بند ۲ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند ۱ اصل ۳۶ مجموعه اصول، شق «ب» بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی، بند «د» پارگراف ۲ قطعنامه کمیسیون، بند ۲ ماده ۸ یوگسلاوی و ماده ۶۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی منحصر به قلمرو فرض بی‌گناهی پیش از محاکمه، یعنی قبل از صدور حکم قطعی نیست. اصل تساوی و استمرار دامنه و قلمرو برائت به آثار بعد از صدور حکم نیز تسری است، لذا چنانچه برائت فردی توسط نظام عدالت کیفری ثابت و اعلام شد، دولت مکلف به جبران خسارت وارده در فرایند دادرسی و در نتیجه اجرای محکومیت نادرست است.

درست است حکم برائت صادره در نتیجه اعاده دادرسی شخص را مستحق جبران خسارت می‌نماید. نهاد جبران خسارت تأسیس نوظهوری است که به دنبال توسعه قلمرو اصل برائت در سامانه تقنینی کشورهای اسلامی مورد توجه مقنن قرار گرفته است، بدین ترتیب خودداری دولت از جبران کلیه خسارات وارده سبب نقض بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در پرتو اصل برائت تلقی شده است. در این زمینه در میان دکترین حقوقی نظرات متفاوتی به چشم می‌خورد: گروهی مطلق حکم برائت را موجب استحقاق دریافت خسارت دانسته اند. این گروه حقوق دانان به استناد فرض مسؤولیت دولت و مستتر بودن خسارت، اجرای محکومیت نادرست را جلوه‌هایی از نقض اجرای عدالت تلقی و شخص بی‌گناه را مطلقاً مستحق جبران خسارت دانسته‌اند. برخی حقوق دانان معتقدند مطلق برائت موجب استحقاق دریافت خسارت نمی‌گردد، مگر آن که

به‌شمار می‌رود. عدم اعلان حق جبران ضمن صدور حکم براءت این شائبه را در اذهان عمومی و محافل خاص و عام تقویت می‌کند که شخص واقعاً بی‌گناه نبوده و عدالت کیفری با تمام ابزار و تکنیک‌های فنی و علمی نتوانسته تصمیم درستی را اتخاذ کند.

ایراد بعدی این شیوه جبران آنجا که قصور متهم در باب ارائه ادله و کتمان دلایل در نفی جبران مستند قرار گیرد، غیرقابل تجدید نظر بودن است. این معایب آنجا که جبران خسارت در صلاحیت کمیسیون جبران گذاشته شده منتفی است. از دیدگاه این پژوهش بهترین راه حل، رویه متخذه دیوان بین‌المللی کیفری همان روش تلفیقی است که تمام شیوه‌های جبران را تحت پوشش قرار می‌دهد. روشی که در نظام حقوقی کشورهای اسلامی کمتر به آن شیوه عمل می‌شود.

۲-۲-۲- قرار منع تعقیب

احراز و اثبات بی‌گناهی منحصر به صدور حکم براءت نیست، مبانی حقوقی احراز بی‌گناهی باتوجه به ساختار و سلسله مراتب نظام‌های تعقیب و رسیدگی از سوی نظام عدالت کیفری علاوه بر براءت، منع تعقیب است. بنابراین اعلان تصمیم قضایی مبتنی بر احراز بی‌گناهی باتوجه به ساختار نظام قضایی کشورها و سلسله‌مراتب در نظام عدالت کیفری ممکن است در قالب منع تعقیب تجلی شود.

به اعتقاد برخی حقوق‌دانان قرار منع تعقیب یکی از جلوه‌های افشای بی‌گناهی در مرحله دادسرا نسبت به متهمان بی‌گناه است که در فرآیند دادرسی و تحقیقات مقدماتی بازداشت شده و جبران خسارت بر این دسته از افراد همواره مورد تأکید مقنن قرار گرفته است (خالقی، ۱۳۹۴: ۸۳). آن‌چه که برای جبران خسارت مهم و ضروری به‌نظر می‌رسد، صرف نظر از عنوان تصمیم قضایی اعم از قرار یا حکم براءت، احراز بی‌گناهی است. هرگاه متهم یا محکوم‌علیه تحت هر تصمیم قضایی بی‌گناه شناخته شود، شخص مستحق جبران خسارت خواهد بود.

پرسش مهمی که پیرامون اقتضای صدور مبانی قرار منع تعقیب مطرح می‌شود، این‌که آیا امکان صدور قرار منع تعقیب پس از محاکمه و قطعیت احکام باتوجه به ظرفیت‌های قانونی

متضمن عدم تقصیر یا بی‌گناهی متهم است، مورد توجه مقنن این کشورها قرار گرفته است.

بنابراین خروج جبران خسارت از براءت فنی و حقوقی و تفکیک بی‌گناهیان به واقعی و حقوقی در سامانه تقنینی و رویه قضایی کشورهای اسلامی عملاً منتفی است. ظرفیت‌های حقوقی و قانونی کشورهای اسلامی چنین تکلیفی را نادرست تلقی و به استناد اصل تساوی و جبران خسارت برای تمامی قربانیان عدالت کیفری بدون استثنا در رویه قضایی این کشورها کاملاً مشهود به‌نظر می‌رسد.

در خاتمه بحث این پرسش مطرح می‌شود که آیا دادگاه‌ها ضمن صدور حکم براءت تکلیفی در اعلان حق جبران خسارت دارند یا نیازی به اعلان چنین حقی در رأی صادره نیستند؟ پاسخ به این پرسش در برخی نظام‌های حقوقی متفاوت به‌نظر می‌رسد. در نظام حقوقی برخی کشورهای اسلامی آنجا که صلاحیت رسیدگی به ادعای ضرر و زیان وارده بر محکوم‌علیه برعهده دادگاه دیگر یا هم‌عرض محول شده، این دادگاه ضمن صدور حکم براءت نسبت به ضرر و زیان وارده بر اثر اجرای محکومیت نادرست اظهار نظر می‌کند (آشوری و امیری نبی‌کندی، ۱۳۷۱: ۴۷).

آن دسته از نظام‌های حقوقی که جبران خسارت را در صلاحیت کمیسیون جبران خسارت نهاده‌اند، دادگاه‌ها به صدور حکم براءت بسنده نموده و نیازی به اعلان حق جبران خسارت ندارند، بلکه این محکوم بی‌گناه است که بعد از صدور حکم براءت تقاضای جبران خسارت را به کمیسیون جبران تسلیم می‌کند.

بدین ترتیب اعلان حق جبران ضمن صدور حکم یا ارسال حکم براءت به کمیسیون جبران خسارت به‌عنوان سازوکار جبران خسارت در رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی و سایر نظام‌های حقوقی باتوجه به فرآیند جبران متفاوت به‌نظر می‌رسد. هریک از این شیوه‌ها واجد معایب و محاسن است؛ رسیدگی در مدت زمان معقول و کوتاه‌ترین زمان ممکن، عدم تجدید نظرخواهی دولت و اجزای نظام عدالت کیفری از تصمیم دادگاه و پرداخت فوری و لازم‌الاجرا از محاسن این شیوه جبران

بدیهی است تفکیک منع تعقیب به شک و تردید، عدم کفایت ادله یا جرم‌نبودن رفتار ارتكابی و نفی جبران نسبت به منع تعقیب فنی و حقوقی از دیدگاه این پژوهش نادرست به نظر می‌رسد. کلیه کسانی که بعد از طی طرق فوق‌العاده قرار منع تعقیب آنان به هر نحوی صادر می‌شود، حق بر جبران خسارت شامل حال آنان خواهد بود.

بنا به یافته‌های این پژوهش صدور قرار منع تعقیب پیرو سازوکارهای اثبات بی‌گناهی در دادگاه امکان‌پذیر است، بدین ترتیب قرار منع تعقیبی که متضمن افشای بی‌گناهی است به‌عنوان یکی از مبانی شروط جبران در سامانه تقنینی کشورهای اسلامی، سپس در رویه قضایی این کشورها در آیین و روش جبران مورد توجه قرار گرفته است.

۲-۲-۳- قرار موقوفی تعقیب

قرار موقوفی تعقیب قرار امری و شکلی است که با صدور آن، پرونده کیفری مختومه می‌شود. موارد صدور این قرار، در ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ایران به هفت مورد محصور شده است. بدین شرح که مقام قضایی در صورت حدوث موارد صدور آن هیچ‌گاه به ماهیت جرم ارتكابی نپرداخته و اقدام به صدور این قرار می‌نماید. به اعتقاد برخی حقوق‌دانان قرار موقوفی تعقیب یکی از جلوه‌های عوامل سقوط دعوی عمومی مانع دائمی در راه به جریان افتادن دعوی عمومی، صدور حکم و یا اجرای مجازات است، به طوری که قانون‌گذاران در سیر تاریخی قوانین مصوب، جهات و موارد صدور آن را به نفع مصالح اجتماعی گسترش داده‌اند (آشوری، ۱۳۹۵: ۷۶).

هم‌سو با مقررات بین‌المللی پرداختن به جلوه‌های نوین موارد صدور این قرار در احراز سازوکارهای اثبات بی‌گناهی مفید به نظر می‌رسد. جنون متهم در حین ارتكاب جرم موقعیت و شخصیت متهم که به موجب اسناد بین‌المللی یا عرف بین‌المللی در نظام حقوقی کشورهای اسلامی از مصونیت تعقیب برخوردارند، سرانجام عدم شمول قوانین جزایی کشورها نسبت به جرم منتسب به متهم از زمره عوامل و مواد صدور قرار موقوفی تعقیب است که در ماده ۷۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره‌ای به آن نشده است.

کشورهای اسلامی متصور است؟ در بادی امر به‌نظر می‌رسد صدور قرار منع تعقیب مختص مقامات دادسرا و از زمره قرارهای نهایی بازپرس و دادیاران است. بدین‌منظور در مرحله تحقیقات مقدماتی افشای بی‌گناهی با صدور قرار منع تعقیب متجلی می‌شود.

با در نظر گرفتن مفاد تبصره ۱ ماده ۲۸۵، ماده ۳۰۶، ماده ۳۴۰ و ماده ۳۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری چنان‌چه رسیدگی به برخی جرایم مستقیماً در صلاحیت دادگاه کیفری باشد، آنگاه در مواردی که اتهامی متوجه متهم نبوده یا قبل از ورود در ماهیت رسیدگی، اقتضای صدور قرار منع تعقیب فراهم باشد، دادگاه صالحه می‌تواند حسب مورد قرار منع تعقیب صادر کند. همچنین در مواردی که پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه ارجاع شود، دادگاه بدون تعیین وقت رسیدگی حداکثر ظرف یک ماه پرونده را بررسی چنان‌چه مورد را از موارد منع تعقیب تشخیص دهد، مبادرت به صدور قرار منع تعقیب می‌کند. بنابراین امکان صدور قرار منع تعقیب به‌عنوان یکی از جلوه‌های افشای بی‌گناهی در مرحله دادگاه در سامانه تقنینی کشورهای اسلامی به‌وضوح ملاحظه می‌شود (آشوری و امیری نبی‌کندی، ۱۳۷۱: ۵۴).

در بسط آثار و مبانی قرار منع تعقیب متعاقب اعاده دادرسی در دادگاه هم‌عرض و یا در دادگاه صادرکننده حکم قطعی در برخی نظام‌های حقوقی با حدوث شرایط و مبانی آن، از جمله قابل تعقیب‌نبودن رفتار انتسابی بدون ورود در ماهیت امر کیفری صدور قرار منع تعقیب جایز و محکوم‌علیه مستحق جبران خسارت در فرآیند آیین و روش جبران خسارت خواهد بود. بدیهی است قابل تعقیب‌نبودن رفتار متهم یا محکوم‌علیه نباید در رویه جبران خسارت به رفتار متضمن عدم استحقاق جبران خسارت تفسیر شود. به عبارت روشن‌تر اعضای کمیسیون جبران یا دادگاهی که در برخی نظام‌های حقوقی به تقاضای جبران خسارت رسیدگی می‌کند نباید رفتار متهم یا محکوم‌علیه را اگرچه با قوانین جزایی جرم نبوده، لکن به دلیل اقدام علیه خود با فراهم‌آوردن موجبات تحمل کیفر، محکوم‌علیه را از استحقاق جبران خسارت محروم نماید.

با گذر از مبانی و موارد صدور قرار موقوفی تعقیب این پرسش مهم مطرح می‌شود که آیا قرار موقوفی تعقیب در کنار قرار منع تعقیب یا برائت شرط لازم برای جبران خسارت است؟ به عبارت روشن‌تر کسانی که بعد از صدور حکم محکومیت و اجرای مجازات در راستای اثبات محکومیت نادرست به استناد مواردی چون جنون، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت، شمول عفو، نسخ مجازات قانونی، مرور زمان و اعتبار امر مختومه که به استناد خطاهای قضایی در فرآیند رسیدگی به این ایرادات توجهی نشده و محکومیت یافته‌اند، مستحق جبران خسارت‌اند؟ سامانه تقنینی کشورهای اسلامی پیرامون آثار قرار موقوفی تعقیب و شمول آن به جبران خسارت ساکت است. در قوانین شکلی این کشورها قرار منع تعقیب و برائت مبنای لزوم جبران خسارت تلقی شده و ذکر از قرار موقوفی تعقیب به میان نیامده است. به اعتقاد برخی حقوق دانان دلیل عدم ذکر قرار موقوفی تعقیب عدم اظهار نظر ماهوی مقام قضایی پیرامون ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم است. به همین منظور قرار موقوفی تعقیب فاقد آثار قرار منع تعقیب و حکم برائت است (خالقی، ۱۳۹۴: ۸۲).

این ادعا محل ایراد است، چنانچه مقام قضایی مکلف بوده با حدوث یکی از موارد قانونی قرار موقوفی تعقیب صادر کند، لکن به دلیل خطاهای قضایی رسیدگی را ادامه داده و سرانجام منجر به محکومیت یا بازداشت اشخاص شود، آیا از این‌گونه خطاهای قضایی خساراتی متوجه شهروندان نمی‌گردد؟ آیا این دسته از اشخاصی که بنا به علل قانونی مستحق مجازات و بازداشت نبوده‌اند دولت را نباید در قبال این‌گونه محکومان مسؤوّل شناخت؟ گفتمان و یافته‌های پژوهش پاسخ مثبت به پرسش فوق و مسؤولیت دولت در قبال این دسته از اشخاص تحت عنوان محکومان بی‌گناه است. بدین شرح که متهمی که رفتار ارتكابی او مشمول قرار موقوفی است، لکن به دلیل عدم توجه مقام قضایی به شمول عفو یا نسخ مجازات قانونی، مرور زمان تغییر نادرست از گذشت منجز به گذشت مشروط، اعتبار امر مختوم و توبه متهم حکم محکومیت صادر و اجرا شده باشد، این دسته از افراد به دلیل نقض اصل تساوی شهروندان در برابر قانون مورد حمایت قانون قرار گرفته و از طریق سازوکارهای اعاده دادرسی با صدور قرار موقوفی تعقیب و بطلان محاکمه

متقاضی جبران خسارت شوند. یکی از موانع موجود بر سر راه این دسته از شهروندان خلأها و کاستی‌های سازوکار فعلی احراز بی‌گناهی در قوانین شکلی برخی کشورهای اسلامی است. محدودیت جهات اعاده دادرسی و عدم انطباق برخی از موارد صدور قرار موقوفی تعقیب با جهات اعاده دادرسی از مهم‌ترین موانع و مشکلات پیش روی این دسته از شهروندان است. رویه قضایی برخی کشورها با تفسیر موسع از ادله بی‌گناهی برای تبیین انطباق جهات اعاده دادرسی ادعای مرور زمان را به‌مثابه جرم‌نبودن رفتار ارتكابی مورد پذیرش قرار داده‌اند. چنانچه رفتار انتسابی مشمول مرور زمان باشد، لکن دادگاه‌ها به دلیل خطاهای قضایی به این مانع مهم توجهی نکنند چنانچه متهم از طرق فوق‌العاده ثابت کند که مجازات او منتفی و مصداق بارز جرم‌نبودن رفتار ارتكابی است. در این فرض محکومیت ناعادلانه تلقی و ورود خسارت در اجرای محکومیت نادرست جبران خسارت را به‌دنبال دارد. وجود چنین خطاهای قضایی در مورد سایر جهات قرار موقوفی تعقیب، از جمله جنون و نسخ مجازات قانونی قابل تصور است. در شرایط کنونی، اگرچه با تمسک به اصل تفسیر موسع قوانین شکلی برخی از موارد متعدد قرار موقوفی تعقیب را با برخی از جهات اعاده دادرسی بتوان تطبیق نمود، لکن رویه قضایی متداول در اکثر کشورهای اسلامی با محدودیت‌هایی مواجه است. به نظر می‌رسد کشورهای اسلامی با تغییرات محسوسی در سازوکارهای احراز بی‌گناهی در نظام تقنینی خود نسبت به آثار موقوفی تعقیب و برابری آن با آثار قرار منع تعقیب و برائت در اجرای اصل توازن و تساوی به این خلأها و کاستی‌ها خاتمه دهند. از دیدگاه پژوهش حاضر این دسته از شهروندان که از حکومت موقوفی تعقیب برخوردارند هرگاه عدالت کیفری با نقض اصول و شیوه‌های نوین دادرسی خسارتی به این دسته از شهروندان وارد کند باتوجه به گستره دامنه بی‌دولت در قبال این دسته از افراد مسؤوّل شناخته می‌شود و مکلف بر جبران خسارت وارده بر این دسته از افراد خواهد بود.

۲-۲-۴- اعطای عفو

عفو در لغت به معنای گوناگون، از جمله گذشت، مغفرت، آمرزیدن و ساقط کردن عذاب، معروف و احساس خواستن و بخشایش آمده است (معین/ذیل کلمه). در اصطلاح حقوق

این ادعا محل ایراد است، چنانچه مقام قضایی مکلف بوده با حدوث یکی از موارد قانونی قرار موقوفی تعقیب صادر کند، لکن به دلیل خطاهای قضایی رسیدگی را ادامه داده و سرانجام منجر به محکومیت یا بازداشت اشخاص شود، آیا از این‌گونه خطاهای قضایی خساراتی متوجه شهروندان نمی‌گردد؟ آیا این دسته از اشخاصی که بنا به علل قانونی مستحق مجازات و بازداشت نبوده‌اند دولت را نباید در قبال این‌گونه محکومان مسؤوّل شناخت؟ گفتمان و یافته‌های پژوهش پاسخ مثبت به پرسش فوق و مسؤولیت دولت در قبال این دسته از اشخاص تحت عنوان محکومان بی‌گناه است. بدین شرح که متهمی که رفتار ارتكابی او مشمول قرار موقوفی است، لکن به دلیل عدم توجه مقام قضایی به شمول عفو یا نسخ مجازات قانونی، مرور زمان تغییر نادرست از گذشت منجز به گذشت مشروط، اعتبار امر مختوم و توبه متهم حکم محکومیت صادر و اجرا شده باشد، این دسته از افراد به دلیل نقض اصل تساوی شهروندان در برابر قانون مورد حمایت قانون قرار گرفته و از طریق سازوکارهای اعاده دادرسی با صدور قرار موقوفی تعقیب و بطلان محاکمه

از محاسن خاص خود دارای نواقص و شامل تمامی محکومان بی‌گناه نمی‌شود. مهم‌ترین ایراد انتخاب‌گزینشی پرونده برخی از محکومان بی‌گناه است. در این سازوکار عدالت کیفری به انتخاب‌گزینشی روی آورده و عفو اعطایی تمامی محکومان بی‌گناه را شامل نمی‌شود. نقض عدالت و اصل تساوی از معایب بارز این نظام‌های حقوقی است. یکی از معایب این روش بررسی پرونده محکومان بی‌گناهی است که عدالت کیفری راساً متوجه اشتباه قضایی خود می‌شود، لکن آن دسته از بی‌گناهیانی که عدالت کیفری از سرنوشت محکومیت نادرست آنان مطلع نیست، محکومیت بی‌گناه همچنان باقی می‌ماند. در نظام حقوقی ایران بسترهای قانونی لغو داوطلبانه محکومیت بی‌گناه به مدل افتراقی ابتدا در قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۲۴، ماده ۲۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و بند «ب» ماده ۴۵۵ به‌ویژه صدر ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ مبنی بر تشخیص خلاف شرع بین و تجویز اعاده دادرسی توسط رییس قوه قضاییه مشاهده می‌شود، لکن روش‌های فوق‌الذکر به‌درستی واجد آثار مفید و مطلوب عفو برای جبران اشتباهات قضایی در کوتاه‌ترین زمان ممکن نیست.

مشارکت‌دادن پژوهشگران و نهادهای مردم‌نهاد و بهره‌گیری از یافته‌ها و دلایل علمی و فنی آنان در بدنه عدالت کیفری با تشکیل کمیسیون‌های فرعی و اصلی برای بررسی پرونده بی‌گناهان در سطح استان‌ها رهیافت مناسبی برای لغو محکومیت داوطلبانه و عفو برای کلیه محکومان بی‌گناه بهترین سازوکار از دیدگاه این پژوهش است.

نتیجه آن که عفو محکومان بی‌گناه از سوی نظام عدالت کیفری و حکومت واجد آثار جبران خسارت است. تأکید بر جبران خسارت به‌عنوان نتایج آثار عفو در سامانه تقنینی کشورهای اسلامی هم‌سو با بند ۶ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌عنوان یکی از شروط جبران خسارت از یافته‌های مهم سیاست جنایی و تسری آن به نظام حقوقی کشورهای که فاقد چنین سازوکاری است در سیاست جبران راهگشا و مفید به نظر می‌رسد.

کیفری عفو به معنی اقدامی است که با تصویب نهادهای حکومتی، اعم از نهاد رهبری و مجلس به‌منظور موقوف‌ماندن تعقیب یا بخشودن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان در فرآیند تعقیب، دادرسی و اجرای مجازات‌ها اعمال می‌شود (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۱۱۶).

اگرچه این تعریف عام به‌نظر می‌رسد و شامل انواع عفو اعم از خصوصی و عمومی است، لکن اعطای عفو یکی از ابزارهای سیاست جنایی برای تعدیل مجازات‌های شدید، جبران اشتباهات قضایی، لحاظ برخی جنبه‌های سیاسی، تقلیل موارد اعدام، اصلاح و درمان بزهکاران از سوی حکومت تدبیر می‌شود. جبران اشتباهات قضایی از طریق عفو یکی از برنامه‌های مهم سیاست جنایی برای رفع اشتباهات کنشگران نظام عدالت کیفری، از جمله مواردی است که در تعاریف اصطلاحی و حقوقی مد نظر قرار نگرفته است. هر جا که سخن از اعطای عفو در سیاست جنایی به‌کار گرفته می‌شود، در بادی امر به ذهن چنین تداعی می‌شود که عفو برای بزهکاران تدبیر می‌شود، درحالی‌که عفو در سیاست جنایی کلان دارای مفهوم گسترده‌ای است که شامل جبران اشتباهات قضایی و فراتر از آن شامل جبران اشتباهات تقنینی و اجرایی می‌شود. عدم انجام پژوهش و عدم گسترش دامنه شمول عفو به جبران خطاهای قضایی کنشگران نظام عدالت کیفری در برخی نظام‌های حقوقی، از جمله ایران در مقایسه با سایر کشورهای اسلامی مهم‌ترین ایراد به مقنن و نظام عدالت کیفری است. اعطای عفو برای جبران اشتباهات قضایی و محکومان بی‌گناه یکی از تازه‌های سیاست جنایی در قوانین برخی کشورها، از جمله نظام حقوقی مصر تحت عنوان لغو محکومیت داوطلبانه از سوی نظام عدالت کیفری بدون طی تشریفات طرق فوق‌العاده و اعاده دادرسی است.

لغو محکومیت داوطلبانه بارزترین روش برای احراز بی‌گناهی برای محکومان بی‌گناه و نهایتاً برای جبران خسارت تلقی شده است. در این سازوکار هرگاه دولت یا نظام عدالت کیفری راساً متوجه اشتباه قضایی کنشگران نظام عدالت کیفری شود، با لغو داوطلبانه محکومیت کیفری با احراز بی‌گناهی محکوم علیه را مشمول عفو قرار می‌دهد. مدل لغو محکومیت داوطلبانه فارغ

۲-۳- احراز رابطه سببیت و نقض قوانین ناظر به حقوق بشر از سوی کنشگران نظام عدالت کیفری

احراز رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرر برای تحقق مسؤولیت کیفری و مدنی ضروری به‌نظر می‌رسد. در این راستا متضرر باید ثابت کند که میان فعل زیان‌بار و ضرر رابطه علیت وجود دارد و تا زمانی که رابطه سببیت ثابت نشده باشد، مسؤولیت شخص منتفی است. حقوق‌دانان برای احراز ارکان مسؤولیت اعم از کیفری و مدنی شرط احراز رابطه سببیت را به‌عنوان رکن اصلی مسؤولیت همواره مورد تأکید قرار داده‌اند (رستمی و شعبانی کندسری، ۱۳۹۵: ۱۴۵).

به‌زعم برخی پژوهشگران مرکز ثقل محکومیت بی‌گناهان ادله اثبات نادرست و شیوه‌های نادرست تحصیل دلیل است. این موضوع از قانون‌گذاری و نظام ادله اثبات گرفته تا رویه‌های پلیسی و قضایی از موضوعات مهم آیین دادرسی کیفری است. به‌دلیل آن که محکومیت بی‌گناه اغلب با نقض اصول دادرسی و قوانین ناظر به حقوق متهم همراه است، بدین ترتیب مطالعه و راه حل پیشگیری از بروز خطاها و رفع زمینه‌های ظهور آن موضوع مطالعات مهم جرم‌شناسی و میان‌رشته‌ای ضروری به‌نظر می‌رسد (غلاملو، ۱۳۹۸: ۸۶).

بنابراین نقض قوانین حقوق بشری و عدم رعایت اصول و موازین دادرسی از سوی کنشگران نظام عدالت کیفری مصداق بارز نقض تضمین‌کننده این حق‌ها توسط دولت است. حال این پرسش مطرح می‌شود آیا در سیاست جبران رابطه سببیت بین خسارت وارده با رفتار حرفه‌ای کنشگران نظام عدالت کیفری و اثبات نقض قوانین ناظر به حقوق بشری ضروری به‌نظر می‌رسد؟ پاسخ و رویکرد نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی نسبت به این پرسش منفی است، بدین‌شرح که احراز رابطه سببیت بین رفتار فنی و حرفه‌ای کنشگران نظام عدالت کیفری با جبران خسارت از محکومان بی‌گناه با فرض مسؤولیت دولت در قبال بی‌گناهان با صدور حکم براءت، قرار منع تعقیب و موقوفی تعقیب منتفی است. به مجرد احراز بی‌گناهی فرض خطای قضایی مفروض تلقی شده و دولت مکلف به جبران خسارت از این شهروندان خواهد بود.

به باور این پژوهش احراز رابطه سببیت و نقض قوانین ناظر به حقوق بشری از سوی کنشگران نظام عدالت کیفری برای سیاست جبران نادرست و در عمل محدودیت‌هایی برای جبران خسارت به‌وجود می‌آورد، از جمله این محدودیت‌ها گسترش دامنه گونه‌های سلب حق جبران و نفوذ آن بر رفتار متهم و شیوه دفاع وی در فرآیند دادرسی است، به‌طوری‌که بار اثبات نقض قوانین و اصول دادرسی و نظام ادله اثبات به دوش محکوم‌علیه گذاشته شده و در این رهگذر جبران خسارت منتفی یا به معیارهای حداقلی تنزل پیدا می‌کند که به هیچ‌وجه قابل قبول به‌نظر نمی‌رسد، بدین‌منظور خطاهای کنشگران نظام عدالت کیفری که به‌نحوی در ابتدای تعقیب لغایت صدور حکم نقش اساسی در محکومیت بی‌گناهان دارند، در این قسمت به شرح آتی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

۲-۳-۱- خطای ضابطین

در اغلب موارد زیربنای پرونده کیفری را اقدامات ابتدایی ضابطین تشکیل می‌دهد. از این‌رو باید از یک‌سو در انتخاب افرادی که این امر به‌عهده آن نهاد می‌شود، نهایت دقت به‌عمل آید و در صورت امکان از نیروهای متخصص، مسؤل، آموزش‌دیده، آگاه و مجرب در این زمینه استفاده شود. از سوی دیگر، وظایف و اختیارات ضابطین به دقت از سوی قانون‌گذاران مشخص و تعریف گردد تا اعتماد شهروندان را به هنگام طرح شکایت و نیز اطمینان خاطرشان را آنگاه که به‌عنوان مظنون و متهم تحت تعقیب قرار می‌گیرند، موجب شود و درنهایت، امنیت جامعه فراهم گردد. بر این اساس ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ کشف جرم، حفظ آثار و علایم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی‌شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق قضایی و اجرای تصمیمات قضایی را برعهده ضابطین دادگستری قرار داده است.

در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، اعطای نمایندگی مستقیم به نیروی انتظامی که در حوزه قضایی دادسرا یا حوزه قضایی دیگری انجام وظیفه می‌کنند، پیش‌بینی نشده است و به همین علت بازپرس مکلف به اعطای نیابت قضایی است (باقری‌نژاد، ۱۳۹۴: ۷۹). در حقوق کیفری ایران براساس ماده ۹۸ قانون

این ادعا باتوجه به کاستی‌ها و خلأهای موجود در قوانین شکلی کشورهای اسلامی موجه به نظر می‌رسد. افزایش اختیارات پلیس و سرویس‌دهی عناوین مجرمانه به مقام قضایی و درخواست ادامه تحقیق از مظنونان و متهمان از مقام قضایی و نهایتاً پذیرش تحقیقات آنان در نظام ادله اثبات تکمیل‌کننده مبنای علم قاضی از ارکان متشکله خطای قضایی محسوب و منجر به محکومیت بی‌گناهان می‌شود. تأثیر گزارش ضابطین در نظام ادله اثبات و قابلیت استناد آن در نظام حقوقی اکثر کشورهای در بحث ادله اثبات از اهم ایرادات وارد بر مقنن این کشورها به‌شمار می‌رود. قانون آیین دادرسی کیفری ایران در تحولات اخیر خود، اگرچه گامی مثبت در تخصص‌گرایی و آموزش ضابطین برداشته است، لکن این تحولات ناکافی به نظر می‌رسد، به طوری که در رویه تحقیقات مقدماتی این تحولات آن‌گونه که شایسته نظام عدالت کیفری است، به‌نحو مطلوب و محسوس مشاهده نمی‌شود. کاهش اختیارات پلیس، بطلان اقدامات خودسر آنان به‌ویژه ضابطین خاص در جرایم خاص، توجه به ایرادات متهم و سایر افراد درگیر در فرآیند تحقیق توسط مقام قضایی صالح و پیش‌بینی حق اعتراض به گزارش ضابطین و خروج آن از ادله اثبات از مؤلفه‌های مؤثر در بروز خطاهای قضایی از پیشنهادات این پژوهش به نظام عدالت کیفری کشورهای اسلامی است.

حذف گزارش ضابطین به‌عنوان اماره و دلیل ارتکاب جرم یا مؤثر در ایجاد علم قاضی گامی مهم و مؤثر در نظام ادله اثبات به‌نظر می‌رسد. به‌نظر ما تشدید نظام و جهات اعاده دادرسی و استناد به خطای ضابطین در احراز سازوکارهای اثبات بی‌گناهی که هم‌اینک نظام حقوقی کشورهای اسلامی با خلأها و کاستی‌های اساسی مواجه است، در احراز و اثبات بی‌گناهی محکومان بی‌گناه راهگشا و مفید به نظر می‌رسد.

۲-۳-۲- خطاهای مقامات دادرسی

نهاد دادرسی برای حفظ حقوق عمومی و نظارت بر حسن اجرای قوانین و تعقیب کیفری بزهکاران طبق مقررات قانونی انجام وظیفه می‌کند و این وظایف را دادستان که در رأس مقامات دادرسی است، به‌عنوان نماینده دادرسی ایفای نقش می‌کند. نظام حقوقی کشورهای اسلامی که از نظام دو مرحله‌ای تبعیت

آیین دادرسی کیفری تحقیقات مقدماتی دربرگیرنده تحقیقات ابتدایی، یعنی تحقیقات پلیسی نیز هستند. صرف نظر از تصمیمات و نظارت دادستان بر ضابطین، مقامات تحقیق به ویژه بازپرس این اختیار را دارند که به تحقیقات ضابطین رسیدگی و آن را مورد ارزیابی قرار دهند. هنگامی که ضابطین به‌دنبال دستور بازپرس و تحت تعلیمات وی اقدام به انجام تحقیقات، تحصیل و جمع‌آوری ادله می‌نمایند به‌عنوان نماینده و جانشین مقام قضایی از همان محدودیت‌ها و الزام قانونی و قضایی مقام تحقیق برخوردارند، به طوری که آنان در این وظایف حساس فاقد اختیارات فرا قانونی از سوی مقام قضایی اعطای نمایندگی است. در اجرای این اصل ضابطین تابع اجرای دقیق و محدوده اصل قانونی بودن دادرسی که بر دوش مقام قضایی است، قرار می‌گیرند. بنابراین رعایت اصل قانونی بودن دادرسی و تحقیقات مقدماتی از وظایف مهم و حساس ضابطین در مقام ضابط دادگستری و ایفای وظایف آنان است. با این تضمینات امکان خطاهای پلیسی در انجام وظایف در فرآیند تحقیق وجود داشته و ضابطین مصون از خطا نمی‌باشند. از دیدگاه این پژوهش اهم خطاهایی که ضابطین در بسترسازی پرونده‌های کیفری مرتکب می‌شوند، عدم بهره‌گیری کامل از شیوه‌های علمی و فنی و تحقیق و بازجویی و تکنیک‌های مدرن است. عدم رعایت اصول و شیوه‌های ناظر به وقوع جرم در اعلام و اخبار جرم توسط ضابطین، خطا در تشخیص جرایم مشهود از غیرمشهود و عواقب ناشی از آن، امکان نامرئی دانستن شیوه‌های مشروع و قانونی تحقیق و تعقیب و تهیه صورت مجلس و جمع‌آوری دلایل در عمل منجر به تحصیل ادله نادرست و غیرقانونی شده و نهایتاً منجر به محکومیت بی‌گناه می‌گردد.

بنابه یافته‌های برخی پژوهشگران برخی روش‌های تحقیقی ضابطین، از جمله تحصیل شهادت نادرست و اجباری، شیوه نمایش متهم و شناسایی آن از طریق عکس یا از میان چندین نفر، اقرار نادرست و ناشی از عدم رعایت حقوق متهم به هنگام بازجویی، متهم‌انگاری نادرست، اجبار متهم به پذیرش اتهام ناکرده، به‌ویژه خطا در جمع‌آوری ادله مرکز نقل خطاهای پلیس را تشکیل داده و در عمل منجر به محکومیت بی‌گناهان شده است (غلاملو، ۱۳۹۴: ۹۳).

از دیدگاه پژوهش حاضر مهم‌ترین جلوه‌های خطای قضایی مقامات دادسرا طرح اتهام واهی بنا به ملاحظات سیاسی و فشار افکار عمومی علیه متهم، عدم توجه به ادله تبرئه‌کننده به‌ویژه تحصیل ادله نادرست یا تحصیل ادله به‌طریق نامشروع، همچنین نظارت قضایی ناکافی برقرار جلب به دادرسی به‌عنوان خطای دادستان که با ارسال پرونده به دادگاه و دفاع نماینده دادستان از این قبیل خطاها و نهایتاً محکومیت بی‌گناه نام برد. عدم انجام تحقیقات کافی، عدم نظارت بر اقدامات ضابطان و رسیدگی به موقع بر تحقیقات ارائه‌شده، عدم توجه به دفاعیات متهم و وکیل او و نقض اصل تساوی سلاح‌ها که در خاتمه دادرسی منجر به محکومیت بی‌گناه می‌شود، به‌عنوان اهم خطای بازپرسان و دادیاران در رویه قضایی به‌وضوح ملاحظه می‌شود (غلاملو، ۱۳۹۴: ۲۳۴).

بنابراین خطاهای قضایی مقامات دادسرا که با دفاع از کیفرخواست و جلب به دادرسی در دادگاه مورد رسیدگی قرار گرفته، به‌ویژه ادله‌ایی که دادسرا به آن استناد جسته در بیشتر موارد، مورد توجه و استناد دادگاه‌ها قرار گرفته و منجر به محکومیت نادرست می‌شود، بدین ترتیب یکی از علل محکومیت بی‌گناهان خطاهای قضایی مقامات دادسرا در ساختار ادله علیه متهم بدون لحاظ حقوق دفاعی او و استناد دادگاه‌ها به این دلایل نادرست و مغایر قانون که در نهایت منجر به محکومیت نادرست می‌شود از واقعیت‌های موجود در نظام عدالت کیفری است. به‌نظر می‌رسد با برگزاری دادرسی عادلانه و تشدید تضمینات دفاعی حقوق متهم و بازخوانی و بررسی ادله توسط دادگاه‌ها و استفاده از قضات مجرب و متخصص نسبت به رفع خطاهای مقامات دادسرا اقدام نمود.

نتیجه آن که با احراز و اثبات خطاهای مقامات دادسرا در مراجع صالحه می‌توان با تشدید نظام و جهات اعاده دادرسی به‌عنوان سازوکار احراز بی‌گناهی و بازخوانی مجدد پرونده محکومان بی‌گناه اقدام نمود. ظرفیت‌های قانونی کشورهای اسلامی، از جمله ایران در این نظام نیازمند تحول اساسی است. اقتضا دارد مقنن این کشورها هم‌سو با سایر تحولات حقوق بشری در دنیای کنونی در اصلاحات قانون آیین دادرسی کیفری خود تحولات مقتضی را به منصف ظهور برسانند.

می‌کنند، بدنه و تشکیلات دادسرا از دادستان، بازپرس و دادیار تشکیل شده است. هریک از این مقامات در ایفای وظیفه حقوقی مصون از خطا نبوده و ممکن است در ایفای وظیفه مرتکب خطا شده و آنگاه حقوق متهم نادیده انگاشته و در این رهگذر خسارتی متوجه شهروندان گردد، چه‌بسا محتوی ادله پرونده کیفری که بر مبنای خطای هریک از مقامات دادسرا شکل گرفته در مرحله رسیدگی منجر به صدور حکم ناعادلانه و در نتیجه منجر به محکومیت بی‌گناه شود. مطابق اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود.» مخاطب قانون اساسی ناظر به خطای قضایی قضات دادگاه‌ها و صدور حکم است. در واقع نویسندگان قانون اشتباه در موضوع یا تطبیق حکم بر مورد خاص را معطوف به قضات دادگاه‌ها دانسته است. مهم‌ترین پرسشی که مطرح است این که ضمانت اجرای اشتباه قضات دادسرا در ایفای وظیفه قانونی چگونه است؟ پرسش دوم این که آیا این اصل شامل اقدامات قضایی مقامات دادسرا، از جمله دادستان، دادیار و بازپرس می‌شود؟

در پاسخ به پرسش اول می‌توان گفت فرض خطا در نهاد دادسرا توسط مقامات آن از تعقیب لغایت صدور قرار نهایی به‌ویژه در جمع‌آوری دلایل علیه متهم به تبع آن و سایر اقدامات تأمینی متحمل بوده و نهاد دادسرا مصون از خطا نمی‌باشد، بدین ترتیب ضمانت اجرای چنین خطاهایی مستلزم جبران خسارت است.

در پاسخ به پرسش دوم می‌توان گفت با امعان نظر در شیوه نگارش اصل و تکرار آن در ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ جبران خسارت ناظر به اشتباهات حکمی و یا موضوعی است. بنابراین جبران خسارت فقط ناظر به تقصیر و اشتباهات قضات دادگاه‌ها در مرحله صدور حکم است، لکن خسارات ناشی از اقدامات مقامات دادسرا به استناد اصل فوق قابل جبران نبوده و به همین منظور مقنن کشورهای اسلامی برای ضمانت اجرای بازداشت‌های بلاوجه مقررات نوینی در این رهگذر به تصویب رسانده‌اند (آشوری، ۱۳۹۵: ۲۱).

۲-۳-۳- خطای قضایی قضات صادرکننده رأی

یکی از علل محکومیت نادرست در نظام عدالت کیفری خطای قضایی قضات صادرکننده حکم اعم از بدوی و تجدید نظر است، به طوری که مقنن کشورهای اسلامی در قوانین اساسی به عواقب ناشی از این امر مهم توجه کافی داشته‌اند. توجه به آثار و نتایج زیان‌بار خطاهای قضایی در سیاست تقنینی و قضایی کشورها نشان می‌دهد که فرض خطا در آرای قضایی مسأله و پدیده نوظهوری نبوده و از ابتدای قضاوت‌های سنتی و مدرن تاکنون یکی از چالش‌های مهم پیش روی دولت‌ها وجود اشتباهات قضایی در ارکان نظام عدالت کیفری است. با مذاقه در نظام حقوقی کشورهای اسلامی برای مبارزه با اشتباهات قضایی دو راهکار برجسته ارائه شده است: ۱- راهکار پیشگیری و به حداقل رساندن وسعت خطاها؛ ۲- راهکار دوم تدوین سازوکار بی‌گناهی و بازخوانی مجدد پرونده متضمن خطاهای قضایی (حسنی، ۲۰۱۵: ۹۶).

علل رایج سیستمی چون شناسایی نادرست، شاهد کاذب عینی، شواهد علمی پزشکی قانونی معیوب، شواهد اطلاعات اشتباه، نادرست خود خدمت، جریان سوء عدالت مشتمل بر رفتار پلیس، دادستان و قضات محاکم، تعصب بیش از حد برای اطمینان از محکومیت، اقرار دروغین، نمایندگی قانونی معیوب، دیدتول و تأثیرات رسانه‌ایی که هیأت منصفه را آلوده می‌کند، بروز خطاهای قضایی را دوچندان کرده است (Hoel, 2008: 37).

برخی پژوهشگران محکومیت نادرست را به چالش‌های تقنینی و قضایی ادله علمی متمرکز نموده‌اند. به اعتقاد آنان مهم‌ترین دلیل اثبات جرم استفاده از ادله علمی در کشف و اثبات جرایم و پیشگیری از آن است. به اعتقاد آنان موضوعیت ادله و لزوم استناد به آن، کاربرد ادله علمی را در فرآیند دادرسی در نظام ادله اثبات تحت‌الشعاع قرار داده است. تشتت آرا و رویه در ارزیابی ادله و نفوذ آن در صدور آرا منجر به محکومیت نادرست می‌شود (مؤن‌زادگان و امیری، ۱۴۰۱: ۵۶). برخی نیز عوامل نفسانی قضاوت و تأثیر آن در آرای صادره را در بروز محکومیت نادرست مؤثر دانسته‌اند (مرغوب، ۱۳۸۶: ۱۴۸).

از دیدگاه این پژوهش راهکارهای ارائه‌شده از سوی حقوق‌دانان و سایر نظام‌های حقوقی کاملاً درست، لکن ناکافی به نظر

می‌رسد. اصلاحات در نظام عدالت کیفری و بهره‌گیری از مهم‌ترین یافته‌ها و داده‌های جرم‌شناسی باتوجه به ظرفیت‌های قانونی کشورهای اسلامی محدود به نظر می‌رسد، اگرچه پیشگیری از وقوع خطاهای قضایی و به حداقل رساندن این‌گونه خطاها مستلزم بررسی علل و رفع زمینه‌های آن است، لکن در اغلب کشورهای اسلامی خطا در لایه‌های نظام عدالت کیفری در سطح دادگاه‌های عالی مشهود به نظر می‌رسد. در راستای حداقل‌رساندن محکومیت‌های نادرست باید به موضوعیت‌دادن به برخی ادله و تحصیل ادله به‌طریق نامشروع خاتمه داد. این امر مستلزم تحول قانون‌گذاری در نظام ادله اثبات دعوی و توسل به شیوه‌های علمی دلایل است. امری که مقنن کشورهای اسلامی از آن بی‌بهره مانده است. راهکار دوم ارائه شده از سوی کشورهای اسلامی تحت عنوان توسل به‌طریق فوق‌العاده و بازبینی پرونده محکومیت بی‌گناهان سازوکاری برای احراز بی‌گناهی مفید به نظر می‌رسد، لکن سازوکارهای فعلی موجود در نظام حقوقی این کشورها با محدودیت‌هایی قانونی مواجه است که شامل تمامی محکومیت‌های نادرست نمی‌شود. این سازوکار احراز بی‌گناهی با تحول بنیادین در نهاد قانون‌گذاری می‌تواند از آمار محکومان بی‌گناه بکاهد.

۲-۴- خسارت غیرعادی

ماهیت و طبیعت خسارت‌های ناشی از محکومیت نادرست به‌عنوان شروط جبران خسارت یکی از موضوع مهم در سامانه تقنینی و قضایی کشورهای اسلامی به‌شمار می‌رود، بدین‌منظور خسارت ناشی از محکومیت‌های نادرست باتوجه به نظام تدرج مجازات‌ها از موقعیت یکسانی برخوردار نمی‌باشد. آثار و ابعاد خسارت ناشی از اجرای مجازات‌ها از جنبه‌های مادی و معنوی متفاوت است. سامانه تقنینی کشورهای اسلامی تعریفی از خسارت غیرعادی و مهم ارائه ننموده‌اند. رویه قضایی برخی کشورها به مصادیق خسارات غیرعادی و مهم ازجمله مجازات‌های سالب آزادی و حبس طولیل‌المدت پرداخته و برخی دیگر باتوجه به جنبه‌های ذهنی و شخصی و موقعیت اشخاص معیاری را برای خسارت غیرعادی تعیین نموده‌اند.

مطابق ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی و ادله دیوان بین‌المللی کیفری رم خسارت غیرعادی و مهم نشأت‌گرفته از نتایج

است، خسارت وقتی غیرعادی و مهم تلقی می‌شود که محکومیت نادرست در مورد محکومان بی‌گناه اجرا و در این رهگذر خسارتی به آنان وارد شده است، می‌باشد.

۲-۵- خسارت عادی

خسارت عادی مولود تقسیم‌بندی نادرست محکومان بی‌گناه به حقیقی و فنی حقوقی در برخی نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی است. خسارت غیرعادی و مهم شامل محکومان بی‌گناه حقیقی و خسارت عادی نتیجه برائت فنی و حقوقی و فقدان دلایل کافی در محکومیت بی‌گناه است. همان‌طوری که در فصول گذشته به تفصیل استدلال شده، این تقسیم‌بندی واجد معایب فنی و علمی است. درواقع خسارت وارد بر محکومان بی‌گناه آنجا که مبنای حکم برائت، قرار منع یا موقوفی تعقیب تبرئه در حال شک یا ضعف یا تعارض ادله استوار است، هرگونه خسارت وارد بر شخص بی‌گناه ولو با ابعاد گسترده عادی تلقی شده و در جبران آن در برخی نظام‌های حقوقی با تردید مواجه شده است. رویه قضایی کشور ایران در صدور رأی شماره ۱۴۰۰۶۳۹۰۰۰۶۲۴۶۶۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۳۰ کمیسیون ملی جبران خسارت به عادی بودن خسارت آنجا که مبنای حکم برائت به جهات فنی و حقوقی است، صحه گذاشته است.

به باور این پژوهش منع یا نفی جبران خسارت عادی صرف نظر از چگونگی صدور رأی برائت، منع یا موقوفی تعقیب محل اشکال است، زیرا این رویه منجر به ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در فرار بزهکاران از چنگال عدالت و نهایتاً امنیت قضایی شهروندان را به مخاطره می‌اندازد. بدیهی است تقسیم خسارت به عادی و غیرعادی و مهم بدون لحاظ خصیصه آن صرفاً به اتکای چگونگی صدور حکم برائت، منع یا موقوفی تعقیب که در برخی نظام‌های حقوقی جزء شروط جبران خسارت تلقی شده است (آشوری، ۱۳۷۶: ۹۴).

مخالف اصل منع اقدامات تبعیض‌آمیز و اصل تساوی شهروندان در برابر قانون است. اصل تساوی شهروندان در برابر قانون و آثار حکم برائت متضمن جبران هرگونه خسارت اعم از عادی و غیرعادی با تمامی ابعاد کم و بیش خواهد بود. محروم کردن برخی بی‌گناهان از حق جبران خسارت به استناد اعمال اصول

بی‌عدالتی و آشکار شدید و فاحش درخصوص وضعیت شخصی، خانوادگی، اجتماعی و شغلی شخص درخواست‌کننده خسارت است، اگرچه خسارت غیرعادی و مهم در این قانون تعریف نشده است، لکن دو معیار برای احراز خسارت غیرعادی مد نظر قرار گرفته است: معیار اول نقض حقوق بنیادین بشری که توسط اجزای نظام عدالت کیفری در صدور آرا متجلی می‌شود؛ معیار دوم اثر ملموس و عینی ناشی از نقض حقوق بنیادین در وضعیت محکومان بی‌گناه است.

برخی پژوهشگران حوزه جبران خسارت معیار خسارت غیرعادی را به مهم بودن خسارت و استحقاق جبران خسارت درجایی که حکم برائت آنان متضمن بی‌گناهی واقعی است، معطوف داشته‌اند (آشوری، ۱۳۷۶: ۶۹).

به نظر می‌رسد تبیین و تبیین خسارت غیرعادی و مهم به روش‌های متداول حقوقی آن‌طور که در اسناد بین‌المللی و از نتایج برخی پژوهشگران ملاحظه می‌شود، مفید به نظر می‌رسد، لکن این پرسش مطرح می‌شود که تبیین خسارت غیرعادی چه آثاری در نهاد جبران خسارت به دنبال دارد؟ پاسخ این که خسارت غیرعادی و مهم در تضمین خسارت و ابعاد آن در کوتاه‌ترین زمان ممکن و تأکید دادگاه‌ها به تصریح حق بر جبران، سپس تکلیف کمیسیون جبران به پرداخت کلیه خسارات وارده است، زیرا خسارت وارد بر محکومان بی‌گناه باتوجه به مسؤولیت دولت‌ها و تضمین آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌ویژه نحوه تعیین میزان خسارت اعم از مادی و معنوی و حمایت بعد از برائت مستلزم تبیین خسارت غیرعادی و مهم است. درواقع خسارت غیرعادی و مهم مستوجب جبران خسارت حداکثری را به دنبال دارد.

از دیدگاه این پژوهش شروع و یا اجرای مجازات‌های نادرست در مورد محکومان بی‌گناه علت تبیین خسارت غیرعادی در نظام حقوقی کشورهای اسلامی است. مطابق استانداردهای بین‌المللی جبران خسارت یکی از شروط اصلی جبران خسارت اجرای مجازات نادرست تحت عنوان «متحمل مجازات شده باشد» است. بنابراین تحمل و اجرای مجازات‌های نادرست در مورد محکومان بی‌گناه مولد شرط خسارت غیرعادی و مهم برای جبران خسارت در این‌گونه نظام‌ها مورد توجه قرار گرفته

آن بعد از صدور حکم و اعلان آن توسط دادگاه‌ها است. در نظام حقوقی عمومی و دولتی که طرح ادعای بی‌گناهی از طریق طرق فوق‌العاده احکام همان اعاده دادرسی عام و خاص انجام می‌شود کلیه فروض و جهات اثبات بی‌گناهی اعم از بی‌گناهی حقیقی و حقوقی مورد توجه مقنن این کشورها قرار گرفته است. بنابراین خروج جبران خسارت از براثت فنی و حقوقی و تفکیک بی‌گناهان به واقعی و حقوقی در سامانه تقنینی و رویه قضایی کشورهای اسلامی منتفی می‌باشد. همچنین تفکیک منع تعقیب به شک و تردید، عدم کفایت ادله یا جرم‌نبودن رفتار ارتكابی و نفی جبران نسبت به منع تعقیب فنی و حقوقی از دیدگاه این پژوهش نادرست به نظر می‌رسد. کلیه کسانی که بعد از طی طرق فوق‌العاده قرار منع تعقیب آنان به هر نحوی صادر می‌شود، حق بر جبران خسارت شامل حال آنان خواهد بود. بنا به یافته‌های این پژوهش صدور قرار منع تعقیب پیرو سازوکارهای اثبات بی‌گناهی در دادگاه امکان‌پذیر است، بدین ترتیب قرار منع تعقیبی که متضمن افشای بی‌گناهی است، به‌عنوان یکی از مبانی شروط جبران در سامانه تقنینی کشورهای اسلامی، سپس در رویه قضایی این کشورها در آیین و روش جبران مورد توجه قرار گرفته است. همچنین عفو محکومان بی‌گناه از سوی نظام عدالت کیفری و حکومت واجد آثار جبران خسارت است. تأکید بر جبران خسارت به‌عنوان نتایج آثار عفو در سامانه تقنینی کشورهای اسلامی هم‌سو با اسناد بین‌المللی حقوق بشر مانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی، به‌عنوان یکی از شروط جبران خسارت از یافته‌های مهم سیاست جنایی و تسری آن به نظام حقوقی کشورهایی که فاقد چنین سازوکاری است در سیاست جبران راهگشا و مفید به نظر می‌رسد. علاوه بر این، احراز رابطه سببیت و نقض قوانین ناظر به حقوق بشر از سوی کنشگران نظام عدالت کیفری یکی دیگر از شروط مهم برای جبران خسارات وارده به محکومان تلقی شده است. به باور این پژوهش، احراز رابطه سببیت و نقض قوانین ناظر به حقوق بشری از سوی کنشگران نظام عدالت کیفری برای سیاست جبران نادرست و در عمل محدودیت‌هایی برای جبران خسارت به‌وجود می‌آورد، از جمله این محدودیت‌ها گسترش دامنه‌گونه‌های سلب حق جبران و نفوذ آن بر رفتار متهم و شیوه دفاع وی در فرآیند دادرسی است، به‌طوری که بار

مسلم حقوق کیفری چون تمسک به قاعده شک و فقدان یا تعارض ادله توسط دادگاه‌ها تالی فاسد را به‌دنبال داشته و در عمل موجب سوءاستفاده اعضای کمیسیون جبران خسارت و محرومیت بی‌گناهان از حق جبران خسارت خواهد شد. حذف این تقسیم‌بندی در شروط جبران خسارت و پرداختن به ابعاد مختلف خسارت بدون آن که مبانی صدور حکم براثت به استناد، چه قواعد مسلم حقوقی صادرشده، یکی از کاستی‌های مهم نظام تقنینی و قضایی کشورهای اسلامی مقتضی تحول و ابهام‌زدایی است.

نتیجه‌گیری

از منظر پژوهش حاضر، منظور از محکومان بی‌گناه کسانی است که حکم براثت (اعم از قرار منع و یا موقوفی تعقیب) آنان از اتهام انتسابی با طرح شکایت فوق‌العاده از احکام یا با اعطای عفو از سوی حکومت با برگزاری یک دادرسی ثانوی عادلانه به‌لحاظ خطاهای کنشگران نظام عدالت کیفری صادر شده است. در هر نظام حقوقی - سیاسی اصل جبران خسارات وارده مورد پذیرش قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که به‌صورت کلی در حقوق ایران و کشورهای اسلامی، چند شرط به‌عنوان شروط اصلی جبران خسارات وارده به محکومان بی‌گناه مورد پذیرش و تأکید قرار گرفته است: اول این که مجازات پیشین محکوم باید شروع یا اجرا شده باشد؛ دوم این که بی‌گناهی یا بطلان محاکمه شخص انجام شده باشد. در همین راستا باید فروض مختلف اعم از صدور حکم براثت و اعلان حق جبران ضمن صدور حکم، صدور قرار منع تعقیب، قرار موقوفی تعقیب و اعطای عفو مد نظر قرار گیرد. به تعبیری خارج‌نمودن هریک از شقوق مزبور منطبق با اصول عدالت و انصاف نیست. آثار براثت و حق فرض بی‌گناهی مستلزم این است که نه‌تنها قضات، هیأت منصفه و همچنین مقامات کمیسیون جبران خسارت از پیش داوری در مورد عدم استحقاق یا رد درخواست یا پرداخت غرامت ممانعت کنند، بلکه مقامات ذی‌صلاح دولتی و قضایی وظیفه دارند با احترام به رأی براثت و آثار آن خود را در قبال محکومان بی‌گناه مسؤول دانسته و خسارت وارد را جبران کنند. در واقع یکپارچگی نهاد جبران خسارت پیرو رأی براثت و آثار منسجم و هدفمند آن در نظام عدالت کیفری مهم‌ترین پاسخ به تفسیر رأی براثت و آثار

- حسینی، بلحسین. *آلیات مکافحه الخطاء القضائی فی قانون اجراءات الجزائیه الجزائری*. به راهنمایی دکتر صادق سلیمانی، الجزایر، بجایه: جامعه عبدالرحمن میره.

- حسینی، سید محمد (۱۳۹۴). «رابطه مفهوم شرعی «گناه» و مفهوم حقوقی «جرم» و نسبت «تحریم» و «تجریم»». علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران: سمت.

- خالقی، علی (۱۳۹۴). نکته‌ها در قانون آئین دادرسی کیفری. تهران: نشر شهر دانش.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷). *لغت‌نامه دهخدا*. جلد اول، تهران: سیروس.

- رستمی، هادی و شعبانی کندسری، هادی (۱۳۹۵). «احراز رابطه سببیت در فرض مداخله عوامل گوناگون در جنایات و خسارات مالی (با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۵: ۱۴۴-۱۷۱.

- شاملو، باقر و مرادی، مجید (۱۳۹۳). «خسارت زدایی از مظنونان، متهمان و محکومان بی‌گناه؛ با جایگاه حقوقی و فرایند عملی». فصلنامه حقوقی دادگستری، ۸۴: ۲۱۳-۲۴۸.

- طه، فریده و اشراقی، لیلا (۱۳۹۰). *دادرسی عادلانه*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- غلاملو، جمشید (۱۳۹۴). *تحلیل حقوقی- جرم‌شناختی محکومیت بی‌گناهان در ایران*. به راهنمایی دکتر محمد فرجیها، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس.

- غلاملو، جمشید (۱۳۹۷). «تحلیل فرآیندهای تحصیل اقرار نادرست در مرحله تحقیقات پلیسی». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲۴: ۲۸۷-۳۱۸.

- غلاملو، جمشید (۱۳۹۸). *محکومیت بی‌گناهان، رویکرد میان رشته‌ای به ادله اثبات کیفری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

اثبات نقض قوانین و اصول دادرسی و نظام ادله اثبات به دوش محکوم علیه گذاشته شده و در این رهگذر جبران خسارت منتفی یا به معیارهای حداقلی تنزل پیدا می‌کند که به هیچ وجه قابل قبول به نظر نمی‌رسد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۰). *حقوق جزای عمومی*. جلد سوم، چاپ بیست و چهارم، تهران: نشر میزان.

- آشوری، محمد (۱۳۷۶). *عدالت کیفری*. تهران: نشر گنج دانش.

- آشوری، محمد (۱۳۹۲). *عدالت کیفری ۲*. تهران: نشر دادگستر.

- آشوری، محمد (۱۳۹۵). *آیین دادرسی کیفری با آخرین اصلاحات تا سال ۱۳۹۵*. جلد اول، تهران: انتشارات سمت.

- آشوری، محمد و امیری نبی‌کندی، جلیل (۱۳۷۱). *قانون اصول محاکمات جزائی سوریه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- باقری‌نژاد، زینب (۱۳۹۴). *اصول آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.

- فرجیها، محمد و غلاملو، جمشید (۱۳۹۴). «سازو کارهای رسیدگی به ادعای بی‌گناهی محکومان، مطالعه تطبیقی نظام های ایران- آمریکا و انگلستان». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۱: ۳۹-۶۲.

- فرجیها، محمد و غلاملو، جمشید (۱۳۹۴). «محکومیت بی‌گناهان از خطای قضایی تا بی‌گناهی واقعی». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۸: ۶۳-۸۶.

- قربانی، علی (۱۳۹۰). *دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر*. تهران: انتشارات حقوق امروز.

- محمدی کنگ سفلی، احسان (۱۳۹۴). *دادرسی عادلانه در قلمرو کیفری ایران با تطبیقی بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر*. تهران: انتشارات مجد.

- مرغوب، مهدیه (۱۳۸۶). *بررسی تطبیقی اشتباه قضایی در دادرسی کیفری در حقوق ایران و انگلستان*. به راهنمایی دکتر نسرین مهرا، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

- معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ فارسی*. جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و امیری، سعید (۱۴۰۱). «چالش‌های تقنینی و قضایی ادله علمی در حقوق کیفری ایران». فصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۹: ۳۷-۷۳.

- هاشمی، سید حسین (۱۳۹۰). «بررسی حق جبران خسارت زیان دیده از حبس یا بازداشت غیر قانونی». تهمورث بشیریه و امید قنبری، مجموعه مقالات بزرگداشت از استاد دکتر گرجی، جلد دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

ب. منابع انگلیسی

- Hoel, A. (2008). *Compensation for Wrongful Conviction, Trends & Issues in Crime and Criminal Justice*. Australia, Canberra: Australian Institute of Criminology Press.